

ازدواج و فواید آن از منظر اسلام و علم روان‌شناسی

طیبه کمالی^۱، زینب السعدی^۲

چکیده

خداوند در اوامر و نواهی، اهداف و اغراضی دارد که نتایج آن متوجه حیات اخروی و دنیوی انسان است. امر به ازدواج در اسلام آثاری مانند تأمین‌کننده نیاز جنسی، استمرار نسل، حفظ انساب، ایجادکننده آرامش و مودت میان اعضای خانواده دارد. مقاله حاضر باهدف بررسی ازدواج مقبول و مشروع از منظر اسلام و تأثیر مثبت آن بر فرد و اجتماع به روش تحلیلی- اسنادی انجام شد. منابع مورد استفاده شامل کتب و مقالات فقهی و تفسیری باتکیه بر آیات قرآن بود. نتایج نشان داد که از نظر اسلام با ازدواج اهداف اصلی زندگی که موافق با نیازهای فطری بشر است، محقق می‌شود. با ازدواج آثار مثبتی مانند ارتقای کمالات معنوی، رشد عفت، دوری از گناه و فساد و احساس مسئولیت‌پذیری در افراد به وجود می‌آید. جامعه با داشتن چنین افرادی به سلامت و امنیت، قوت در تثبیت صفات جنسی، رشد فضایل اخلاقی و انسانی، آرامش و امنیت و تداوم نسل و حفظ انساب می‌رسد که همه این آثار، انسان و جوامع را به فلاح و رستگاری رهنمون می‌کند.

واژگان کلیدی: ازدواج، فلسفه ازدواج، فواید ازدواج، آثار فردی ازدواج،

آثار اجتماعی ازدواج.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی رشته روان‌شناسی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. دانش‌پژوه کارشناسی رشته روان‌شناسی، از کشور عراق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

توجه به آیات نورانی قرآن کریم سرشار از معارف نابی است که راهگشای بشر در تمام طول دوران هاست. از آنجاکه خداوند به تمام جنبه‌های زندگی بشر و نیازهای فطری او توجه و برای آن برنامه‌هایی در نظر گرفته آیت‌های را پیرامون بحث مهم ازدواج اختصاص داده است. قرآن، ازدواج را امری آرامش‌بخش، حیاتی و حلال بسیاری از مشکلات بشر می‌داند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱). در مورد ازدواج و ثمرات ارزشمند و مفید آن باید ضرورت و اهمیت و فلسفه ازدواج از نگاه قرآن را یافت، باید‌ها و نبایدهای آن را بررسی کرد. هدف پژوهش حاضر دستیابی و شناخت ازدواج مشروع و فواید ناشی از آن است. بنابراین، سؤال اصلی تحقیق، ازدواج از منظر اسلام و فواید آن است که بر آینده فرد، بعد دینی زندگی او و آینده جامعه اسلامی تأثیر می‌گذارد.

تاکنون درباره ازدواج و فواید آن تحقیقات گوناگونی صورت گرفته است مانند کتاب ازدواج موفق؛ آیا تو گمشده‌ام هستی؟ نوشته باربارا آنجلیس که درصدد کمک به شریک زندگی و پایدار نگه داشتن روابط عاشقانه زوجین نسبت به یکدیگر است. کتاب آداب و فرآیند ازدواج نوشته محمدسعید سبهبانی ازدواج را از مهمترین و بدیهی‌ترین نیازهای انسان می‌داند و اینکه ازدواج امری مقدس است که مانع هجوم‌های فساد در فرد و جامعه می‌شود. تحقیق حاضر با توصیف و تحلیل و به‌شیوه کتابخانه‌ای از این نگاه به ازدواج می‌پردازد که ازدواج برمبنای اسلام و علم روان‌شناسی چه فواید فردی و اجتماعی را به دنبال دارد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. ازدواج و نکاح

ازدواج در لغت از کلمه زوج گرفته شده و به معنای جفت و دو چیز همراه و قرین است چه مثل هم باشند چه متضاد. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۹۵) براین اساس به هرکدام از زن و شوهر، زوج و به هردوی آنها زوجین می‌گویند: «وَأَنَّهٗ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى» (نجم: ۴۵). در قرآن کریم از پیمان زناشویی به نکاح نیز تعبیر شده و نکاح در دو معنا استفاده شده است:

آمیزش جنسی و عقد ازدواج. برخی مفسرین و لغویون معنای حقیقی نکاح را آمیزش و کاربرد آن را مجاز می‌دانند (نجفی، ۱۴۳۰، ۵/۲۹). برخی دیگر معنای حقیقی آن را عقد ازدواج می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۸۲۳) و گروهی نیز اشتراک لفظی را مورد توجه قرار داده‌اند. نظر مشهور، نکاح را در لغت به معنای هم‌خوابگی و در شرع به معنای عقد قلمداد می‌کند. صاحب جواهر می‌گوید: «نکاح و ازدواج به معنای حق هم‌خوابگی و به وحدت رسیدن است که معنایی است لغوی و عقد، حامل پیدایش این حق است هرچند فقها در بسیاری از موارد مقصودشان از نکاح و ازدواج، عقد خاص است» (نجفی، ۱۴۳۰، ۵/۲۹).

ازدواج در اصطلاح به معنای پیمان زناشویی است که به واسطه عقد، بین زن و مرد ایجاد می‌شود و زن و مرد به واسطه آن بر یکدیگر حلال می‌شوند. علاوه بر آن برای زن حق مهر ایجاد می‌شود و برای مرد کام‌جویی از زن و درست مانند دیگر عقود شامل ایجاب و قبول لفظی است. (امینی و آیتی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۴) الفاظ ایجاب عبارتند از: «زوجتک: تو را به زناشویی خود درآوردم» و «انکحت: تو را به همسری خود درآوردم» و «متعکت: تو را به زناشویی خود درآوردم» و قبول عبارت است از: «قبلت التزویج أو النکاح: ازدواج یا نکاح را پذیرفتم» (امینی و آیتی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۹). ایجاب در عقد نکاح از جانب زن و قبول از جانب مرد است. در اینکه آیا ازدواج و نکاح دلالت بر وطی می‌کنند یا عقد یا میان هر دو مشترک لفظی هستند اختلاف نظر وجود دارد و معروف و مشهور آن است که نکاح در لغت به معنای وطی و در شرع به معنای عقد است (محقق داماد، ۱۳۷۹، ص ۲۲).

۳. ضرورت و اهمیت ازدواج در اسلام

خانواده اولین بستر اجتماعی بودن انسان را با نظر به اینکه خداوند موجودات عالم را به صورت زوج خلق کرده است محقق می‌کند: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا» (فاطر: ۱۱). زوجیت، سر‌بقای نسل و اساس دوام حیات در موجودات است. علامه طباطبایی ذیل آیه «وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ» (شعرا: ۱۶۶) غرض صنع و ایجاد

از این صورت‌گیری مختلف و از این گزینه شهوتی را جمع به وسیله عمل تناسل می‌داند که حافظ بقای نوع انسانی تاکنون بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۰۹/۱۵). ازدواج امری است فطری که میان اقوام در تمام اعصار و امکانه وجود داشته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴/۴۹۴). تعادل گزینه جنسی از راه ازدواج و پیوند مشروع زن و مرد میسر می‌شود: «وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرَوْنَ لَهُمْ حَافِظُونَ. إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون: ۵ و ۶). بنابراین، ازدواج ضرورت اجتماعی و نیاز طبیعی است که از فطرت انسان سرچشمه می‌گیرد. هرگونه آسیب به این بنیان مقدس پیامدهای منفی در رابطه با افراد و تحول ساختار کلی جامعه و نظام‌های ارزشی و فرهنگی به دنبال دارد و این اهمیت ازدواج را می‌رساند: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» (نور: ۳۲). پس از اهمیت و ضرورت بحث ازدواج نباید مردان و زنان طوری آمیزش کنند که انساب و شجره دودمان آنها درهم و برهم شود و فحشا و سفاح که باعث قطع نسل و فساد انساب است در آن دیده شود. اینها اصول معتبری است که بسیاری از امت‌ها آن را محترم شمرده‌اند. در قرآن چهارده گروه از زنان هستند که ازدواج با آنان حرام است: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ» (نساء: ۲۳)؛ زیرا انسان بیشتر تماس و سروکارش با همین چهارده صنف است. همین باعث شده است که حتی افراد شهوت‌ران و بی‌بندوبار هرگز به فکرشان نیفتد که با محارم خود زنا کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۱۲/۲).

۴. فلسفه ازدواج در اسلام

۴-۱. پاسخ به ندای فطرت و ارضای صحیح میل جنسی

گزینه جنسی در صورت عدم هدایت درست سبب تزلزل شخصیت فرد می‌شود. از طرفی خداوند با خلق این گزینه، هدف و غایتی داشته و برای آن حدود مرزی مشخص کرده است.

ازدواج طبیعی‌ترین، صحیح‌ترین و بهترین راهی است که این نیاز را مهار و زن و مرد را از انحرافات حفظ می‌کند: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ؛ مگر نسبت به همسران و کنیزانشان» (مؤمنون: ۵). «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون: ۶). شهوت قابلیت طغیان دارد و باید کنترل شود: «حَافِظُونَ». از طرفی در ارضای این غریزه، محدودیت لازم است نه ممنوعیت: «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ». خداوند متعال حدود ارضای غریزه جنسی را تنها از راه ازدواج و ازدواج با کنیزان بیان می‌کند. کسانی که حد را رعایت کنند. «فَأِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ»؛ زیرا شهوت هایشان را در محل مناسب خود به کار برده‌اند. کسانی که غیر از این دو بجویند: «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» (مؤمنون: ۷). از نظر روان‌شناسی، میل جنسی در سایه ازدواج می‌تواند تبدیل به عشق شود و مودت و رحمت را برای زن و مرد به‌ارمغان آورد و در سایه این مودت زن و مرد به تولید نسل و تربیت فرزندان سالم بپردازند (حسن‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۷۴).

۴-۲. حفظ عفت و جلوگیری از گناه

حفظ عفت فرد و جامعه با ازدواج و ارتباط مشروع زن و مرد میسر می‌شود. بنابراین، کسی که عفت و پاک‌دامنی‌اش را حفظ کند در گروه مؤمنین قرار می‌گیرد: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ» (مؤمنون: ۱-۶). همچنین با ازدواج، انسان در حصن و سنگر محکمی قرار می‌گیرد تا وسوسه‌های شیطانی در آنان اثری نگذارد: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ الْمُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ» (نساء: ۲۴).

۴-۳. تداوم نسل و حفظ انساب

سنت الهی به‌گونه‌ای رقم زده است که زن و مرد در سایه ازدواج، موجب بقای نسل خود باشند: «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّوكُمْ فِيهِ». (شوری: ۱۱) «يَذُرُّوكُمْ» به معنای تکثیر و «فیه» یعنی، در نتیجه این تدبیر که همان تزویج است نسل شما زیاد می‌شود. بدین صورت که خداوند انسان‌ها و حیوانات را زوج خلق کرده تا میان مذکر و مؤنشان توالد و

تناسل برقرار باشد (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ۵۸۲/۲۷). «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء: ۱). نکته قابل توجه اینکه اسلام هیچ‌گاه روابط نامشروع را تجویز نمی‌کند؛ زیرا فلسفه ازدواج این است که نسلی باصل و نسب به وجود آید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَثُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» (نساء: ۲۲۳). حرث به معنی محل کشت است؛ یعنی ارحام زنان کشتزار است و نطفه مرد مانند بذر است و فرزند ثمره این کشت است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ۴۲۱/۶). خداوند تأکید می‌کند که شما باید بذرتان را در کشتزار خودتان بکارید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ»؛ ضمیر «کُم» سه بار تکرار شده و تکرار برای تأکید این مطلب است که فقط زنان شما محل کشت شما هستند، پس فقط به زنان خود روی آورید. آیه در ادامه با تعبیر «قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ» اشاره زیبایی به هدف نهایی آمیزش جنسی یعنی، پدید آمدن و پرورش فرزندان شایسته که مفید دین و دنیا باشند، دارد.

۴-۴. ایجاد آرامش و سالم بودن جسم و روح

با پیوند زناشویی، نوعی همبستگی روحی، عاطفی، عشق و محبت میان زوجین برقرار می‌شود که زوجین را به سوی فلاح و خوشبختی یکدیگر سوق می‌دهد: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا». (روم: ۲۱) خداوند در ادامه آیه می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». اگر بخواهیم در گروه «قَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» باشیم نیازمند تفکر و تدبیر نکات موجود در آیه هستیم. «أزواج» در معنای مذکر و مؤنث به کار رفته است: «ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الصَّانِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْرِ اثْنَيْنِ» (انعام: ۱۴۳). «کم» در اینجا به معنای کل بشر است از مذکر و مؤنث که برای هریک از آن دو زوجی از جنس خودش خلق شده است. پس زوج زن، مرد و زوج مرد، زن است و «ل» در «لَكُمْ» برای انتفاع است؛ زیرا هریک از زوجین نفع زیادی از یکدیگر عایدشان می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۱۳۵/۲۳). مطلب دیگر معنای آرامش در آیه «جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹) است؛ یعنی همسر وسیله آرامش است. متعدی شدن «سَكُنَ» با حرف «إِلَيْ» یعنی، زوجین در سایه سار ازدواج از نظر روحی، جسمی، فردی و اجتماعی به آرامش می‌رسند. بیماری‌های ناشی از ترک ازدواج مانند عدم تعادل روحی و ناآرامی‌های روانی،

کم‌وبیش بر همه روشن است. از این‌رو، تشکیل خانواده می‌تواند سهم اساسی در آرامش روانی و سازندگی‌های اخلاقی و اجتماعی برای فرد ایجاد کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۹۲/۱۶)، اما در رابطه با اینکه منشأ این آرامش چیست «ل» در «لِتَشْكُنُوا» لام تعلیل است؛ یعنی «ما برای شما ازواج را از جنس خودتان آفریدیم تا به واسطه آنها آرامش بگیرید».

۴-۵. رسیدن به محبت، دوستی و مودت

دستیابی به مودت و دوستی از رهاوردهای بسیار مهم ازدواج در قرآن است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً». (روم: ۲۱) یکی از ابعاد اظهار محبت، محبت و صمیمیت فیزیکی است که بیشتر به صورت صمیمیت جنسی بروز و ظهور می‌یابد (حسن‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۴۵). رحمت نیز به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است در دل پدید می‌آید. زن یا مرد متعهد، به همسرش اعتماد دارد، او را راهنمایی و حمایت و نیازش را درک می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۴۹/۱۶)، در هنگام بروز مشکل به او کمک می‌کند و این باعث می‌شود که همسر در شرایط سخت احساس آرامش کند (حسن‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳). بنابراین، «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» موجب می‌شود که هر دو طالب نفع یکدیگر و از ضرر زدن به دیگری گریزان باشند.

۴-۶. ایجاد جامعه‌ای سالم و انسانی

از حکمت‌هایی که باعث تشریح ازدواج می‌شود تشکیل جامعه سالم و نمونه است: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا». (فرقان: ۷۴) این امر باید از نخستین سنگ بنای خانواده یعنی، از مقدمات ازدواج و سپس لحظه تولد فرزند آغاز شود و در همه مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و بانهایت دقت پیگیری شود تا باعث شکل‌گیری جامعه‌ای سالم شود.

۴-۷. انس دادن دل‌ها به یکدیگر و پیوند با بیگانگان

قرآن کریم می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا». (فرقان: ۵۴) با ازدواج، رشته‌های پیوند الفت و انس خویشاوندی مستحکم‌تر می‌شود. همچنین می‌توان دایره خویشاوندی را از اقوام نسبی به خویشاوندان نسبی گسترش داد.

۴-۸. تکمیل و تکامل

زن و مرد مکمل یکدیگر هستند. خداوند در قرآن برای فهم این مطلب از تمثیل و تشبیه استفاده کرده است مانند اینکه زن و مرد را به لباسی برای یکدیگر تشبیه کرده است؛ زیرا لباس، زشتی‌ها را می‌پوشاند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ» (بقره: ۱۸۷) و یا زن و مرد مایه آرامش یکدیگر هستند: «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ» (غافر: ۶۱).

۴-۹. تقوای الهی و رسیدن به سعادت و رستگاری

ازدواج یکی از برنامه‌ها برای رسیدن به هدایت، پیشرفت، تکامل و درنهایت فلاح است. تمام اهداف و حکمت‌هایی که برای ازدواج مطرح شد راهی برای رستگاری و رسیدن به تقوای الهی است.

۵. فواید ازدواج

۵-۱. آثار فردی

ازدواج اولین گام انسان برای ایجاد و تکوین زندگی مشترک با فردی از جنس مخالف است. چنانچه این گام در چارچوب قوانین و مقررات الهی و به شکل صحیح و سنجیده برداشته شود کارکردهای مناسب و پیامدهای سازنده آن در طول زندگی مشترک ملموس خواهد بود در غیر این صورت فرد دچار برخی آسیب‌ها می‌شود.

۵-۱-۱. صعود به مراتب و کمالات معنوی

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ بَرَّوَجَةٍ». (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴/۱۵۰) ازدواج موجب حفظ دین، افزایش ثواب عبادات و به وجودآورنده مودت و رحمت

میان افراد و عامل مؤثری در حفظ پاک‌دامنی و طهارت دل هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۰۷/۱۷): «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷)؛ این در کنترل غریزه جنسی است. به عبارتی ارضای غریزه جنسی، میل به انحراف را در انسان کاهش می‌دهد و هوای نفس که منشأ بسیاری از ناهنجاری‌هاست تا حد زیادی مهار می‌شود. مهار هوای نفس از یک سو و رحمت و مودت الهی که در ازدواج حاصل می‌شود از سوی دیگر، موجبات کمال نفس و نورانیت دل را فراهم می‌کند؛ زیرا کسی که به سمت گناه و ناهنجاری نرود و مشمول عنایات الهی باشد به نورانیت درون و قلب نائل می‌شود (پناهی، تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۶/۵، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۴/۹/۲۰).

خداوند متعال تنها بر ازدواج‌های حلال و مشروع تأکید دارد؛ برخلاف ازدواج‌های حرام که گویای تضاد آنها با فطرت ذاتی انسان است. حرمت این ازدواج‌ها که ناظر بر تنافر فطری و ذاتی انسان با این نوع ازدواج‌هاست چگونه می‌تواند ارضای غریزه جنسی که موجب حفظ عفت، پاک‌دامنی و جلوگیری از گناه و معنوی باشد را دربرگیرد. چنین ازدواجی به جای رشد دینی و معنوی انسان، تنفر و انزجار روحی و روانی در انسان ایجاد می‌کند و موجب تضعیف و سست جلوه کردن دین در انظار عمومی و ادیان دیگر و سبک نشان دادن دین می‌شود. بنابراین، با وجود اینکه ازدواج امری مستحب و مؤکد است و با ارضای نیازهای جنسی مشروع، انسان را از تحریفات حفظ می‌کند و زمینه کمال معنوی را در وی به ثمر می‌نشانند، اما تصدیق هر آنچه که با ازدواج مشروع منافات دارد؛ مانند ازدواج پدر با دختری که او را بزرگ نموده، موجب می‌شود اولاً مردم با اخلاق و فقه بیگانه شوند و ثانیاً به اعمالی که موجب دوری انسان از کمالات حقیقی مانند هتک حرمت به مقام پدر یا مادر و... که مورد تأکید اسلام است، مبتلا گردند و در این صورت تکامل معنوی جایگاه خود را از دست می‌دهد.

۵-۱-۲. شکوفایی عفت و دوری از گناه

از فلسفه‌های مهم ازدواج، عفت و دوری از گناه است. با ازدواج، غریزه جنسی که یکی از قوی‌ترین غرایز انسانی است در مسیر طبیعی خود قرار می‌گیرد. ازدواج به نوبه خود موجب

می‌شود تا انسان از گناهانی که به دلیل میل جنسی انجام می‌دهد تا حد زیادی مصون بماند و هیچ‌گاه دامن خود را به روابط جنسی نامشروع که از نظر دین جزو گناهان کبیره است، آلوده نکند. ازدواج موجب می‌شود تا انسان در مسیر کمال و خودسازی معنوی بیشتر قدم بگذارد و خود را از گناه دور کند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ بَسْنَةِ الْأَعْجَشِ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ! يَا وَيْلَهُ! عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ. فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵۰/۱۴). ایشان درباره عفت به واسطه ازدواج می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، مَنِ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَخْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵۳/۱۴). به‌گفته دانشمندان اخلاق، انگیزه اصلی گناهان و انحرافات اخلاقی و تربیتی، سه قوه است: قوه شهویه، قوه غضبیه و قوه وهمیه (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۱۸). این سه قوه در مرز تعدیل خود در وجود انسان برای دفع مفسد و جلب ارزش‌ها لازم هستند. نیروی غضب برای دفاع و مبارزه با تجاوزات بیگانه، نیروی شهوات در مسیر طبیعی برای بقای نسل و لذت‌ها و تفریحات سالم و نیروی وهمیه برای کسب امور عادی در حد طبیعی لازم است، ولی طغیان و یا تعطیل آنها موجب افراط و تفریط و انحراف و فساد می‌شود (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۱۸).

مهمترین عامل تعدیل صحیح در شهوت جنسی در قوه شهویه، ازدواج است. ازدواج موجب کنترل این قوه می‌شود و آن را از تجاوز و طغیان بازمی‌دارد. وقتی جلوی طغیان شهوات گرفته شود زمینه برای کسب عفت و دوری از گناه مهیا می‌شود و انگیزه گناه از بین خواهد رفت. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۱۹) غریزه جنسی مانند آب رودخانه منبع حیات است. اگر در مقابل آن سدی بسته شود و دریچه‌ای پشت سر آن قرار گیرد آب‌های رودخانه مایه حیات دام‌ها و گیاهان خواهد بود و جمع شدن آب نه تنها موجب ضرر و سیلاب نمی‌شود، بلکه با بازکردن سد درهنگام نیاز به آب می‌توان از آن استفاده بهینه و منطقی کرد. کنترل شهوات و ارضای آن با ازدواج مانند آب رودخانه و پشت سد مایه حیات و به‌ارمغان آورنده عفت و پاک‌دامنی در جامعه است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷، ص ۱۹). این درحالی است که

در ازدواج با محارم آن جاذبه و کشش جنسی که از سوی خداوند به زوجین ازدواج‌های حلال افزوده می‌شود، وجود ندارد؛ زیرا محارم بیشتر باهم بزرگ می‌شوند و برای یکدیگر فردی عادی و معمولی هستند، درحالی‌که یکی از شرایط استحکام پیوند زناشویی، جاذبه جنسی است. بنابراین، اگر ازدواج درمیان محارم صورت گیرد فشار انحرافات جنسی که در اثر عدم ارضای گزینه جنسی به وجود می‌آید فرد را در برابر تبلیغات حاصل از تهاجم فرهنگی سست می‌کند و در نتیجه بی‌غیرتی به جای عفت و دوری از گناه و بی‌ثباتی افراد جامعه می‌شود و عقیده آنها نسبت به شرافت انسانی سست می‌شود. چنانچه در آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً» (مؤمنون: ۱) ازدواج با محارم، زمینه محرمات دیگر را فراهم می‌کند که همگی آنها در پیشگاه خداوند مبعوض است و موجبات سقوط افراد جامعه را فراهم می‌کند.

۵-۱-۳. احساس مسئولیت‌پذیری

انسان تا وقتی تنهاست احساس مسئولیت هم در او کمتر دیده می‌شود، اما با ازدواج، فکر می‌کند مسئولیت زن و فرزند خود را برعهده دارد. از این رو، بی‌بندوباری را رها می‌کند و ازدواج مانند سدی او را کنترل می‌کند. شواهد بسیاری وجود دارد که جوانان بسیاری پس از ازدواج سربه‌راه شده‌اند و سبک‌سری و بیراهه‌رفتن‌های گذشته را ترک کرده‌اند. این سخن جوانان ازدواج‌کرده که: «ما دیگر ازدواج کرده‌ایم و مثل سابق نمی‌توانیم به هر جا برویم. برای ما که زن و بچه داریم عیب است به هر راهی پا بگذاریم» (پناهی، تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۶/۵، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۲/۶/۵) همان احساس مسئولیت است که به این صورت جلوه می‌کند.

بنابراین، احساس مسئولیت موجب مراقبت، کنترل و دوری از هرگونه انحرافات می‌شود. احساس مسئولیت همان وجدان اخلاقی و نفس‌لوامه است که نقش بسیاری در پاک‌زیستن و نظم‌رفتاری دارد. هنگام انجام عمل پسندیده و عمل به وظیفه، احساس آرامش درونی در فرد به وجود می‌آید و روح انسان را لبریز از شادی و نشاط می‌کند و بالعکس هنگام انجام خطا و جنایت، طوفانی از غم و اندوه در درون جان پدید می‌آورد. وجود چنین احساسی نیروی

مهمی برای جلب سعادت و دوری از هرگونه انحراف است که در اثر ازدواج صحیح، چنین احساسی در انسان ایجاد می‌شود. در ازدواج با محارم که مخالف با روح شریعت است و حکمت‌هایی در باب حرمت این ازدواج‌ها وجود دارد نه تنها مسئولیت‌پذیری‌ها نسبت به اعضای خانواده بیشتر نمی‌شود، بلکه تخم نفاق در بین اعضای خانواده برای تصاحب مادیات پاشیده می‌شود، احترام و جایگاه‌ها از میان افراد خانواده رخت برمی‌بندد، هتک حرمت میان اعضای خانواده به چشم می‌خورد و کینه و عداوت جای مودت و محبت را می‌گیرد. در چنین ازدواجی، احساس مسئولیت و دلسوزی نسبت به یکدیگر وجود ندارد یا همه اعضای خانواده بر سر رقابتی بی‌ارزش درصدد پیشی گرفتن از یکدیگرند. در احساس مسئولیت، نوعی از خودگذشتگی نسبت به دیگران آمیخته شده است که بر درجات معنوی فرد می‌افزاید.

۵-۲. اجتماعی

۵-۲-۱. تداوم نسل و عدم حفظ انساب

از مفاهیم مهم و مرتبط با توسعه و پیشرفت نظام اجتماعی، تعداد افراد آن جامعه و روابط صحیح و سالم بین آنهاست. این امر براساس هدف آفرینش یعنی، ازدواج است: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ» (نحل: ۷۲). ازدواج موجب پیوند و ازدیاد نسل‌ها، پرورش فرزندان صالح و مؤمن، اصلاح جامعه انسانی و گسترش روح بندگی که هدف اساسی خلقت انسان است، می‌شود. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْتُمُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴/۱۵۳)؛ یعنی جمعیتی که با بندگی خدا و با انجام وظایف دینی و انسانی، موجب آبادانی مادی و معنوی جهان می‌شوند. فلسفه ازدواج، گسترش و توسعه خانواده و ارتباط آنها با بیگانگان است که این امر در ازدواج با محارم وجود ندارد. توضیح آنکه ازدواج با محبت بین زوجین به دست می‌آید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم: ۲۱). پس اجتماع و انس هردو مطلوب خداست، اما از آنجاکه نسب، خود موجب مودت و محبت است برای حصول آن اجتماع لازم نیست.

نکاح اقارب و نزدیکان به دلیل مخالفت با مقاصد شرع، مشروع نیست و در نتیجه این نهی الهی، اجتماعی که مطلوب خداوند باشد به دست نمی‌آید؛ زیرا از طرف شارع، پسندیده و مطلوب نیست و هدف اصلی ازدواج در آن محقق نمی‌شود. همچنین با استناد به حدیث پیامبر ﷺ که فرمود: «لَا تَنْكُحُوا الْقَرَابَةَ الْقَرِيبَةَ فَإِنَّ الْوَلَدَ يُخْلَقُ ضَاوِياً» (جزری، ۱۴۰۵، ۱۰۶/۳) و با مراجعه به علم پزشکی و ژنتیک به دلیل تشابه زیاد ژنتیکی میان خویشاوندان نزدیک، ایجاد نسلی مریض و حامل بیماری در ازدواج با محارم وجود دارد که فقها آن را این‌گونه توجیه کرده‌اند که تحریک تمایل جنسی نسبت با محارم کمتر است. هرچه تمایل کمتر باشد ضعف شهوانی بیشتر و در نتیجه فرزند ضعیف‌تر می‌شود (عاملی، ۱۴۱۳، ۱۵/۷). نسل بیمار و ناتوان، آسیب‌های جدی از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... به اجتماع وارد می‌کند و وجود همین آسیب‌ها مانع روند رشد و پیشرفت جامعه می‌شود.

۵-۲-۲. سلامت و امنیت اجتماعی

با پیوند زناشویی، نوعی همبستگی روحی و عاطفی و عشق و محبت میان زوجین برقرار می‌شود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱). این امر موجب می‌شود که طرفین، نفع زیادی از نظر جسمی، روحی، فردی و اجتماعی از یکدیگر عایدشان شود. سلامت و امنیت اجتماعی از فواید مهم اجتماعی ازدواج در جامعه است که طی آن زمینه ارتکاب جرم و بزهکاری در جامعه کاهش می‌یابد. به عبارتی به خطر افتادن امنیت و سلامت اجتماع با گناه و ناهنجاری مجردها بیشتر صورت می‌گیرد (محبوبی‌منش، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳). پیامبر ﷺ در این زمینه می‌فرماید: «أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعَزَابُ» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۲۰/۲۰). در ازدواج با محارم باید گفت که این ازدواج نه منشأ آرامش خود را از مبدأ رأفت و رحمت و از لطف و رحمت خدا بر بندگان به دست می‌آورد و نه بر مبنای دستورات الهی که از یک طرف به همه جهات توجه کرده و از طرفی نیازهای فطری بشر را نیز مدنظر قرار داده باشد، قرار دارد. بنابراین، افراد در این ازدواج نمی‌توانند مصداق آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون: ۱) قرار گیرند. در این صورت آثار زیان‌بار این ازدواج حرام بسیار تأمل‌برانگیز می‌شود که با روح

اخلاق و جامعه سازگار نیست و موجبات فساد در جامعه را ایجاد می‌کند. برای مثال اگر در یک خانواده ارحام نزدیک زناشویی کنند افراد خانواده بر سر کسب مسائل مادی دچار اختلاف شده و موجبات دشمنی و کینه در بین آنها فراهم می‌گردد. احترام و جایگاه افراد در خانواده متزلزل می‌شود و از آنجا که خانواده نهاد هر جامعه است، پایه‌های اجتماع لغزان و امنیت و سلامت جامعه خدشه‌دار می‌گردد.

۵-۲-۳. تثبیت صفات جنسی

گذشتن از دوران کودکی و رسیدن به بزرگسالی نیازمند دستیابی به هویت جنسی و نقش جنسیتی است. این دو با ازدواج و انتخاب همسر میسر می‌شود؛ زیرا هنگامی که در اجتماع به فردی همسر یا شوهر خطاب شود در او این حس به وجود می‌آید که به مرحله بزرگسالی رسیده است و از او انتظار می‌رود تا مثل یک بزرگسال رفتار کند. از این رو، احساس مسئولیت بیشتری کرده و سعی می‌کند نقش جنسی خود را بهتر انجام دهد. در واقع دختر و پسر به واسطه ازدواج به شناخت خود عمق می‌دهند، زنانگی و مردانگی خود را ابراز می‌کنند، به بسیاری از دل‌مشغولی‌های خود پایان می‌دهند و باورها و ارزش‌های محوری جامعه را در درون خود تثبیت کرده و نسبت به آن متعهد می‌شوند. در نتیجه خود را از پراکندگی نقش‌ها رها کرده و به انسجام در هویت جنسی روی می‌آورند.

ازدواج با محارم در تضاد با فطرت است و حرام بودن آن ناظر بر تنافر فطری و ذاتی انسان با این نوع ازدواج‌هاست. این نوع ازدواج، ساختاری که بتواند بر زنان و مردان تأثیر بگذارد تا به رفتار خود شکل منطقی دهند و موجب شود تا احساس زن و مرد بودن در آنها تقویت شود را ندارد. (استیون، ناک، ۱۳۹۰، ص ۷۸) اگر اساس تشکیل خانواده چیزی غیر از ازدواج مشروع باشد جامعه سالم نخواهد بود. به عبارتی اگر اجتماعی براساس روابط نامشروع بی‌بندوباری و آزادی‌های افراطی شکل گیرد، نمی‌تواند جامعه‌ای انسانی و سالم باشد؛ زیرا این اجتماع از اساس ایراد دارد. زن و مرد با چنین ازدواجی اگر از راه نامشروع فرزندی به دنیا آورد در برابر او احساس مسئولیت نمی‌کنند، در

تعلیم و تربیت او تلاش نمی‌کنند و در فراهم کردن امکانات برای او بی‌تفاوت هستند چون به درک صحیحی از هویت جنسی و نقش جنسیتی خود نرسیده‌اند.

۵-۲-۴. رشد و شکوفایی فضایل اخلاق و انسانی

ازدواج زمینه بروز خلاقیت‌ها و پیروزی‌ها را در زوجین فراهم می‌کند و باعث به‌فعلیت رسیدن فضایل اخلاقی و انسانی است. وقتی از مرد خانواده انتظار می‌رود تا هنگام ضرورت برای پشتیبانی از خانواده خود ایستادگی کند روحیه دفاع و جوان‌مردی در او تقویت می‌شود. به‌وجود آمدن وظایف مادری برای زنان نیز موجب می‌شود تا با تحمل مشکلات فرزندپروری و شوهرداری به کمال روحی بیشتری برسند، روح خود را با صبر و ایثار بالنده کنند، از راه مسئولیتی که در خانه و خانواده دارند استعدادهای خود را برای اداره مناسب خانواده به‌کار گیرند و به موفقیت بیشتری برسند. افروز در این باره می‌نویسد: «ازدواج آغاز لطیف‌ترین و گرمابخش‌ترین رابطه‌ها و به‌فعلیت رساندن همه استعدادها و قابلیت‌ها و بهره‌مندی از عالی‌ترین تکریم‌هاست» (افروز، ۱۳۸۱، ص ۶).

ازدواج با محارم تبعات روحی و روانی، فروپاشی خانواده و اختلال در نظم عمومی را به دنبال دارد. بنابراین، عنصر مصلحت در این ازدواج در نظر گرفته نشده است. اگر کسی عمری شخصی را پدر خود می‌دانسته و تنها با او رابطه پدری داشته و پدر هم به چشم فرزند به او نگاه کرده است یک باره ببیند نظر شخص، نظر جنسی و شهوانی به اوست. چه خواهد شد. از مقررات قطعی شریعت اسلام در رابطه با زندگی اجتماعی سالم حفظ عفت فرد و جامعه، حفظ حرمت و جایگاه افراد و ازطرفی هدایت صحیح‌گریزه جنسی است تا انسان به گناه و آلودگی‌ها کشانده نشود و عفت او به خطر نیفتد، پس بهترین راه، ازدواج و ارتباط مشروع زن و مرد است که در آن افراد، مصداق مؤمنین واقعی می‌شوند نه ازدواجی که در آن، حریم‌ها شکسته می‌شود، احترام در آن رخت می‌بندد و غریزه جنسی در آن منفور است. بنابراین، در ازدواج با محارم که براساس اصول اخلاق اسلامی تصمیم‌گیری نشده است جامعه دچار اختلال می‌شود.

۵-۲-۵. آرامش و امنیت خاطر

مهمترین نیازی که در سایه‌سار ازدواج برآورده و تأمین می‌شود نیاز به آرامش و امنیت خاطری است که در ذات و سرشت انسان ریشه دارد و با ازدواج میسر می‌شود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (روم: ۲۱) براساس آیه شریفه، جوانی که در اوایل جوانی با احساس تنهایی، بیهودگی و نداشتن پناهگاه عاطفی دست به گریبان است با ازدواج به جایگاه امن رهنمون می‌شود و همسران با اتکا به هم درمقابل امواج گرفتاری‌های زندگی مقاومت می‌کنند و با امید بخشیدن به یکدیگر به زندگی محبت‌آمیز خود ادامه می‌دهند. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید: «ما أَفَادَ عَبْدٌ فَائِدَةً حَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ صَالِحَةٍ، إِذَا رَأَاهَا سَرَّتَهُ، وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفَظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۳۹/۲۰).

آرامش و امنیت خاطر زوجین گاهی با ارضای غریزه جنسی به دست می‌آید؛ یعنی هنگامی که این غریزه ارضا شود از هیجانات کم می‌شود و انسان به نوعی آرامش دست می‌یابد. گاهی نیز براساس تفاوت در سرشت زن و مرد که هر یک به دیگری نیاز دارد و با پیوند زناشویی خواهان نفع یکدیگر و جلوگیری از اضرار به یکدیگر هستند، حاصل می‌شود. خدای تعالی هرآنچه بنیان خانواده که مهمترین اصل اجتماع است را بلرزاند منع کرده است. ارضای غریزه جنسی در ازدواج با محارم به نوعی منفور و مخالف با فطرت است. با نکاح محارم، بسیاری از جایگاه‌ها متزلزل و ارتباط افراد با یکدیگر دچار نوعی دوگانگی می‌شود به طوری که هر یک نفع خود را بیش از هرکس دیگر طالب است. بنابراین، خانواده و روابط سالم باید میان افراد خانواده حفظ شود تا اجتماع حفظ شود. با این توضیحات گرافه نیست اگر گفته شود که همه حدود و قیودی که خداوند متعال در زمینه ازدواج بیان کرده است بازگشت آن برای حفظ اسلام است؛ زیرا همه قوانین وارد شده در زمینه نکاح برای حفظ بنیان خانواده است. خانواده، شکل‌دهنده جامعه و جامعه بستری برای به اجرا درآمدن قوانین اسلام است. همین جایگاه و کارکرد مهم خانواده است که آن را محبوب‌ترین بنیان نزد خداوند کرده است.

۶. نتیجه‌گیری

تمام احکام و باید و نبایدهای شریعت، معلول مصالح و مفاسدی است که شارع مقدس در تشریح احکام به آنها نظر داشته است. در مورد نکاح‌های حرام می‌توان گفت آنچه شارع در امر نکاح و ملحقات آن تشریح کرده عبارت است از: تحکیم خانواده‌ها، حفظ انساب و بستن باب زنا و هر عملی که به نوعی یکی از این اهداف را مورد هجمه قرار دهد. اسلام، ازدواج با محارم را حرام کرد تا هر فرد مسلمان از همان ابتدا با این تربیت دینی بار بیاید که از کام گرفتن از محارم خود برای همیشه نومید شود و فکر و توهم چنین ازدواج‌هایی را به ذهن خود راه ندهد تا از زنا که مبعوض‌ترین‌ها نزد خداست، جلوگیری شود، انساب انسان‌ها حفظ شود، خانواده در نهایت اتقان و استقرار شکل گیرد و به سوی مقام قرب الهی قدم بردارد. تحریم محارم از ناحیه خدای سبحان از آنجاکه تحریمی قطعی و بدون شرط است و مسلمانان برای همیشه مأیوس از کام‌گیری از آنها شده‌اند در صورتی که نادیده گرفته شود آسیب‌های جدی به فرد وارد می‌کند مانند تنزل کمالات معنوی، فقدان عفت و نزدیکی به گناه، فقدان احساس مسئولیت‌پذیری. همچنین آسیب‌های جدی به اجتماع وارد می‌کند مانند فقدان تداوم نسل و عدم حفظ انساب، فقدان سلامت و امنیت اجتماعی، فقدان آرامش و امنیت خاطر، فقدان رشد و شکوفایی فضایل اخلاق و انسانی که بسیار قابل تأمل است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۱). مترجم: الهی قمشه‌ای، مهدی. قم: دارالتقلین.
۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۹۸۴). التحرير و التنوير. تونس: دارالتونيمية للنشر.
۲. استیون، ناک (۱۳۹۰). ازدواج در زندگی مردان. مترجم: غفاری، سعید. تهران: نشر رشیدی.
۳. افروز، غلامعلی (۱۳۸۱). مبانی روان‌شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
۴. امامی، سید حسن (۱۳۸۷). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامیه.
۵. امینی، علیرضا، و آیتی، محمدرضا (۱۳۸۹). ترجمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه. قم: کتاب طه.
۶. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
۷. پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۲). ازدواج در اسلام. تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۶/۵، [ec-md.org]
۸. ثعالی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸). جواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۹. جزری، ابن الاثیر مبارک بن محمد (۱۴۰۵). النهایه فی غرب الحدیث و الاثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البتین علیه السلام.
۱۱. حسن زاده، رمضان (۱۳۹۰). روان‌شناسی خانواده، عشق و ازدواج. تهران: سالوان.
۱۲. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. تهران: دوستان: ناهید.
۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۶۲). المفردات فی غریب القرآن. قم: کتابفروشی مرتضوی.
۱۴. سروری، علی اصغر (۱۳۸۰). اصول ژنتیک پزشکی در ازدواج. اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
۱۵. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
۱۶. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.
۱۸. عاملی (شهیدثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة. قم: کتابفروشی داوری.
۱۹. عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۲۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۸۸). کنز‌العرفان فی فقه‌العرفان. مترجم: بخشایشی عقیقی، عبدالرحیم. قم: نوید اسلام.
۲۱. فتنی، محمدطاهر بن علی (۱۳۴۳). تذکره الموضوعات. حلب: اداره الطباعة المنیریة.
۲۲. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد عمر (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۳. فراهدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.
۲۴. قاسمی، محمد جمال‌الدین (۱۴۱۸). محاسن التأویل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۵. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. محبوبی منش، حسین (۱۳۸۳). تغییرات اجتماعی ازدواج. نشریه کتاب زنان، شماره ۲۶، ۴۹-۳۵.
۲۷. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۹). بررسی فقهی حقوق خانواده. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۸. محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۷). ازدواج و شیوه همسر داری. تهران: انتشارات کتاب یوسف.
۲۹. مشکینی اردبیلی، علی‌اکبر (۱۳۹۳). ازدواج در اسلام. قم: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۹۲). زنا، آثار و توابع آن. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۳. نجفی، محمد حسن (۱۴۳۰). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه آل‌البتین لاحیاء التراث.
۳۴. نوری، میرزا حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البتین.
۳۵. واسطی زبیدی، محب‌الدین سید محمد مرتضی (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۶. یوسفیان، حسن (۱۳۸۳). عقل و وحی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.